



اصول فقہ ۳ (حلقه ثانی)

سطح ۲

درس ۵۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

مقدمه

استاد شهید بحث از امکان نسخ را به عنوان یکی از مباحث دلیل عقلی بیان می‌کند و این بحث از مختصات حلقه دوم است و در حلقه اول و سوم اشاره‌ای بدان نشده است.

قابل ذکر است که مرحوم مظفر در اصول الفقه به بحث نسخ در «مباحث حجت» و در باب اول آن، که مربوط به حجیت قرآن است، اشاره و در آن‌جا از حقیقت نسخ و فرق میان نسخ و تخصیص و جواز نسخ قرآن و اصالت عدم النسخ به تفصیل بحث کرده است. ولی استاد شهید به درستی بحث امکان نسخ را در جمله مباحث دلیل عقلی ذکر کرده‌اند و آن‌گونه که از ظاهر بحث پیداست به باب غیر مستقلات عقلیه مربوط می‌شود. و چنان‌که مرحوم مظفر فرموده‌اند: نکته مهم از نظر اصولیون در این بحث آن است که باید وقوع نسخ آیه‌ای از آیات قرآن با دلیلی قطعی ثابت شود. این که قرآن ناسخ و منسوخ دارد جای شبهه نیست؛ ولی در تشخیص موارد نادر نسخ بحث و گفتگوست. از دیدگاه اصولی اگر دلیل قطعی بر نسخ پیدا شد که شد و گرنه اصل، عدم نسخ است.

از موارد قطعی وقوع نسخ می‌توان نسخ ادیان گذشته را به دین اسلام ذکر کرد و دیگر نسخ دستور قبله قرار دادن بیت المقدس است. اما عده‌ای در قرآن مواردی را ذکر کرده‌اند و مرحوم آیه الله خوئی در کتاب وزین البیان فی تفسیر القرآن به بررسی آنها پرداخته است.

در این بحث شهید صدر بحث از امکان نسخ را در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌دهند:

الف) مرحله ملاک و اراده

ب) مرحله جعل و اعتبار

و از آن‌جا که نسخ ملازم با جهل و عدول از رأی و نظر قبلی است نسخ حقیقی در مبادی احکام شرعی محال است لذا با توجه به وجود موارد نسخ در شریعت مقدس، نسخ را باید به معنای پایان یافتن زمان حکم معنا نمود اما در مرحله جعل و اعتبار هم نسخ به معنای حقیقی ممکن است و هم نسخ به معنای مجازی.

متن درس

إمكان النسخ و تصويره

من الظواهر المألوفة في الحياة الاعتيادية ان يشرع المشرع حكماً مؤمناً بصحة تشريعه، ثم ينكشف له ان المصلحة على خلافه فينسخه و يتراجع عن تقديره السابق للمصلحة و عن إرادته التي نشأت من ذلك التقدير الخاطئ. و هذا الافتراض مستحيل في حق الباري سبحانه و تعالى، لأن الجهل لا يجوز عليه عقلاً، فأى تقدير للمصلحة و أى إرادة تنشأ من هذا التقدير لا يمكن ان يطرأ عليه تبدل و عدول مع حفظ مجموع الظروف التي لوحظت عند تحقق ذلك التقدير، و تلك الإرادة.

و من هنا صح القول بان النسخ بمعناه الحقيقي المساوق للعدول غير معقول في مبادئ الحكم الشرعى من تقدير المصلحة و المفسدة و تحقق الإرادة و الكراهة.

و كل حالات النسخ الشرعى مردها إلى ان المصلحة المقدرة مثلاً كان لها أمد محدد من أول الأمر و قد انتهت، و ان الإرادة التي حصلت بسبب ذلك التقدير كانت محددة تبعاً للمصلحة.

و النسخ معناه انتهاء حدها و وقتها الموقت لها من أول الأمر، و هذا هو النسخ بالمعنى المجازى.

و لكن هناك مرحلة للحكم بعد تلك المبادئ، و هى مرحلة الجعل و الاعتبار، و فى هذه المرحلة يمكن تصوير النسخ بمعناه الحقيقي، و معناه المجازى معاً.

اما تصويره بالمعنى الحقيقي فبأن نفترض ان المولى جعل الحكم على طبيعى المكلف دون ان يقيد بزمان دون زمان، ثم بعد ذلك يلغى ذلك الجعل و يرفعه تبعاً لما سبق فى علمه من ان الملاك مرتبط بزمان مخصوص، و لا يلزم من ذلك محذور، لأن الإطلاق فى الجعل لم ينشأ من عدم علم المولى بدخل الزمان المخصوص فى الملاك، بل قد ينشأ لمصلحة أخرى كإشعار المكلف بهيبة الحكم و أبديته.

و اما تصويره بالمعنى المجازى فبأن نفترض ان المولى جعل الحكم على طبيعى المكلف المقيد بان يكون فى السنة الأولى من الهجرة مثلاً، فإذا انتهت تلك السنة انتهى زمان المجعول و لم يطرأ تغيير على نفس الجعل.

و الافتراض الأول اقرب إلى معنى النسخ، كما هو ظاهر.

امکان نسخ و تصویر آن در شریعت

بحث از امکان نسخ در دو مقام واقع می‌شود:

مقام اول: امکان نسخ در مرحله مبادی احکام

نسخ در لغت به معنای نقل، نسخه‌برداری، ازاله و از بین بردن می‌باشد و در اصطلاح به برداشتن حکمی که در شریعت ثابت بوده است اطلاق می‌شود.

در قوانین بشری بسیار دیده می‌شود که گاهی مرجع قانون‌گذار قانونی را جعل می‌کند و آن قانون را مفید برای جامعه و دارای مصلحت می‌بیند اما بعد از مدتی می‌فهمد که در تشخیص خود اشتباه نموده و مصلحتی را که تشخیص داده بود در واقع مصلحت نبوده است، لذا حکم خود را لغو می‌نماید و یا حکمی دیگر را جایگزین آن می‌نماید. اما نسخ بدین معنا در مورد خداوند سبحان معقول نیست؛ زیرا این چنین نسخی مستلزم جهل به مصلحت و اشتباه در تشخیص مصلحت می‌باشد در حالی که ذات اقدس الهی از این امور، مبرا است؛ لذا اگر شارع مقدس مصلحتی را تشخیص دهد و بر طبق آن اراده‌ای نماید محال است که از اراده خود برگردد مگر این که شرایط تغییر کند و با تغییر شرایط مصلحت نیز تغییر نماید که در این صورت ممکن است به تبع تغییر مصلحت، اراده شارع نیز تغییر کند. خلاصه این که نسخ به معنای حقیقی که مساوی با عدول است در مورد مبادی حکم شرعی که عبارتست از تشخیص مصلحت و مفسده و تحقق اراده و کراهت بر طبق آن، محال می‌باشد.

به عبارت دیگر، نسخ حقیقی در مبادی حکم، ممکن نیست؛ یعنی وقتی شارع مقدس به خاطر وجود مصلحتی حکمی را جعل نمود، ممکن نیست که شارع از این اراده خود برگردد و تبدل نظر داشته باشد؛ زیرا تا آن مصلحت وجود دارد اراده شارع نیز بدان تعلق می‌گیرد و ممکن نیست که شارع مقدس مصلحت را اشتباه تشخیص داده باشد و به خاطر پی‌بردن به اشتباه خود از حکمی که داده است رجوع نماید. مگر این که آن مصلحت به خاطر تغییر شرایط از بین برود و مصلحت دیگری حادث شود که شارع مقدس در این صورت به تبع از بین رفتن مصلحت، اراده اش نسبت به آن حکم نیز منتفی خواهد شد.

تطبیق

امکان^۱ النسخ و تصویر^۲

امکان نسخ و تصویر آن

۱. یعنی: امکان نسخ در مورد احکام صادره از ناحیه خداوند سبحان.

۲. مرجع ضمیر: النسخ؛ یعنی تصویر نسخ نسبت به خداوند سبحان.

من الظواهر المألوفة^۱ فی الحیاة الاعتیادیة^۲ ان یشرع المشرع حکماً مؤمناً^۳ بصحة تشریعه^۴، ثم ینکشف له^۵ ان المصلحة علی خلافه^۶ فینسخه و یتراجع^۷ عن تقدیره^۸ السابق للمصلحة^۹ و عن إرادته التي نشأت^{۱۰} من ذلك التقدير الخاطی. یکی از پدیده‌های آشنا در زندگی روزمره آن است که قانون‌گذار، با ایمان به درستی قانون‌گذاری خود حکمی را تشریع می‌کند. آن‌گاه بر او آشکار می‌شود که مصلحت بر خلاف آن حکم است بعد حکم مذکور را نسخ می‌کند و از مصلحت سنجی خود و از اراده‌ای که ناشی از آن اشتباه در مصلحت سنجی بود، باز می‌گردد. و هذا الافتراض^{۱۱} مستحیل فی حق الباری سبحانه و تعالی، لأن الجهل لا یجوز علیه^{۱۲} عقلاً. چنین فرضی در حق خداوند پاک متعال، که هیچ نقضی ندارد، محال است؛ زیرا در حق او عقلاً جهل جایز نیست. فأی تقدير^{۱۳} للمصلحة و أی إرادة تنشأ من هذا التقدير لا یمکن ان یطراً^{۱۴} علیه تبدل و عدول مع حفظ مجموع الظروف^{۱۵} التي لوحظت عند تحقق ذلك التقدير، و تلك الإرادة. پس هرگونه سنجش مصلحت و هر اراده‌ای که ناشی از این اندازه‌گیری مصلحت باشد، امکان ندارد که تبدل و تغییری بر آن عارض شود. و با در نظر گرفتن زمینه‌ها و مجموع شرایطی که به هنگام سنجش مصلحت و پیدا شدن اراده، وجود داشته است امکان هیچ تبدل و تغییری نیست.^{۱۶}

^۱. یعنی: پدیده‌های شناخته شده و آشنا.

^۲. یعنی: روزمره.

^۳. حال از «المشرع» یعنی: در حالی که مشرّع ایمان به صحت تشریع خود دارد.

^۴. مرجع ضمیر: حکماً؛ و ممکن است که این ضمیر را به «المشرع» برگرداند.

^۵. مرجع ضمیر: المشرع.

^۶. مرجع ضمیر: تشریعه.

^۷. یعنی: برگردد.

^۸. یعنی: برآورد، مرجع ضمیر: المشرع.

^۹. متعلق: تقدیره.

^{۱۰}. زیرا - چنان که در مباحث پیشین دانسته شد - اراده ناشی از وجود مصلحت و ملاک است.

^{۱۱}. یعنی: این فرض که خداوند از تقدیر و برآورد پیشین خود رجوع نماید و تبدل نظر و رأی داشته باشد

^{۱۲}. مرجع ضمیر: الباری سبحانه و تعالی.

^{۱۳}. یعنی: هر برآوردی که خداوند سبحان از مصلحتی داشته باشد.

^{۱۴}. یعنی: عارض شود.

^{۱۵}. یعنی: شرایط.

^{۱۶} این منافات ندارد که با عوض شدن زمینه‌ها و شرایط اراده خداوند عوض شود، چنان‌که در مورد قوم یونس اراده خداوند بر تحقق عذاب بود؛ ولی با عوض شدن شرایط و توبه مردم، اراده خداوند بر استمرار حیات آنها قرار گرفت. در این‌گونه موارد، اراده خداوند بر اساس وضعیت خاص حاکم است و با تغییر وضعیت عوض می‌شود. از این امر در لسان متکلمین به «بداء» تعبیر می‌شود و از مختصات عقاید شیعه، جواز بداء بر خداوند است که از آیه شریفه استفاده شده است: یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. ولی باید توجه داشت که اگر خداوند در وضعیت خاصی و با وجود شرایط خاصی اراده‌اش بر چیزی تعلق پذیرد و مصلحت را در چیزی ببیند تا زمانی که آن شرایط و آن وضعیت باقی است هیچ‌گاه آن مصلحت سنجی و آن اراده عوض نمی‌شود.

و من هنا^۱ صح القول بان النسخ بمعناه الحقيقي المساوق للعدول غير معقول في مبادئ الحكم الشرعي من^۲ تقدير المصلحة و المفسدة و تحقق الإرادة و الكراهة.

از این رو به درستی می توان گفت نسخ به معنای حقیقی اش، که مساوق با عدول (و حصول پشیمانی از خطای گذشته) است، در مبادی حکم شرعی نامعقول است؛ یعنی در سنجش مصلحت و مفسده و در تحقق اراده و کراهت از سوی شارع (با ملاحظه شرایط و عدم تغییر وضعیت) پشیمانی راه ندارد.

Sco1:11:30

تصویر نسخ در شریعت

در بخش قبل، بیان شد که نسخ به معنای عدول و تبدل نظر در مورد مبادی احکام شرعی، معقول نیست. اما با این وجود می بینیم که برخی از احکام در شرع مقدس نسخ شده اند، مانند نسخ قبله بودن بیت المقدس و یا نسخ عده وفات از یک سال به چهار ماه و ده روز، حال می خواهیم ببینیم که این نسخ حکم به چه معنایی است؟

شهید صدر(ره) در جواب این سؤال می فرماید: در واقع نسخ در شریعت به معنای پایان یافتن انتهای زمان حکم می باشد؛ یعنی شارع مقدس از همان ابتدا که می خواهد این حکم را جعل نماید، می داند که مصلحت و ملاک این حکم برای مدت زمان معینی می باشد و بعد از آن زمان به خاطر تغییر شرایط دیگر آن حکم دارای ملاک و مصلحت نمی باشد؛ لذا اراده شارع نیز به صورت موقت و محدود به آن حکم تعلق می یابد که با پایان یافتن آن زمان مشخص، زمان حکم نیز به پایان می رسد؛ مثلاً در مورد نسخ وجوب تصدق قبل از نجوای با پیامبر(ص)، شارع مقدس از همان ابتدا محدوده و زمان این حکم را می داند و از همان ابتدا این حکم محدود به زمان معینی بوده است، اما به خاطر مصالحی، شارع مقدس آن حکم را به صورت مطلق بیان کرده است.

خلاصه نسخ در احکام شرعی به معنای انتهای زمان و وقت حکم می باشد که از همان ابتدا، شارع مقدس حکم را به صورت موقت و محدود به آن وقت اراده کرده است و با بیان ناسخ انتهای زمان حکم را بیان می کند؛ لذا نمی توان آن را حقیقتاً «نسخ» نامید؛ بلکه مجازاً نسخ نامیده می شود؛ چون نسخ به معنای عدول است و در نسخ حکم شرعی هیچ عدولی صورت نگرفته است.

تطبيق

و كل حالات النسخ الشرعي مردها^۳ إلى ان المصلحة المقدرة مثلا كان لها^۴ أمد محدد^۵ من أول الأمر و قد انتهى، و ان الإرادة التي حصلت بسبب ذلك التقدير^۶ كانت محددة تبعاً للمصلحة.

^۱. یعنی: از این جهت که عقلاً بر خداوند سببان جهل و تبدل رأی محال است و لازمه نسخ، جهل است.

^۲. بیان «مبادی الحكم الشرعی».

^۳ مرجع ضمیر: حالات.

^۴ مرجع ضمیر: المصلحة.

^۵ یعنی: زمان محدود و معین.

^۶ یعنی: برآوردی که شارع مقدس از ملاک داشته است.

تمام حالات نسخ شرعی مرجعش آن است که مثلاً مصلحت سنجیده شده از آغاز برایش نقطه پایانی مشخص شده بود و آن زمان فرارسید و آن اراده‌ای که به سبب آن مصلحت‌سنجی پیدا شده بود (از اول) به تبعیت مصلحت، زمانمند شده بود.

و النسخ معناه انتهاء حدها^۱ و وقتها الموقت لها^۲ من^۳ أول الأمر، و هذا هو النسخ بالمعنى المجازى.

و نسخ معنایش به پایان رسیدن حدّ مصلحت و انجام مقدار زمانی است که از آغاز قرار داده شده بود. و این نسخ به معنای مجازی است.

Sco۲:۱۷:۲۷

مقام دوم: امکان نسخ در مرحله جعل و اعتبار

در بخش قبلی درس گذشت که نسخ حقیقی نسبت به مبادی حکم شرعی معقول نیست بلکه معنای مجازی آن باید اراده شود که به معنای انتهای زمان حکم می باشد. یعنی حکم از همان ابتدا محدود به زمان معینی بوده است که با پایان یافتن آن حکم نیز منتفی می گردد.

اما در مقام جعل و اعتبار ممکن است که شارع مقدس هم نسخ حقیقی داشته باشد و هم نسخ به معنای مجازی؛ یعنی گاهی شارع مقدس حکمی را که مقید و محدود به زمان معینی است به صورت مطلق بیان می نماید بدون این که به زمان حد آن حکم اشاره ای نماید و بعد از مدتی آن حکم را ملغی نماید و غرض شارع مقدس از این کار گاهی این ست که حکم را در منظر مکلف ابدی و مستحکم جلوه دهد و گاهی نیز امتحان مکلف می باشد مثلاً

تطبیق

و لكن هناك مرحلة^۴ للحکم بعد تلك المبادئ، و هي مرحلة الجعل و الاعتبار، و في هذه المرحلة يمكن تصوير النسخ بمعناه^۵ الحقیقی، و معناه المجازی معاً.

ولی در این جا مرحله‌ای دیگر برای حکم بعد از مبادی است و آن مرحله جعل و اعتبار است. و در این مرحله می توان نسخ را به معنای حقیقی و مجازی، هر دو، در نظر گرفت.

اما تصویره^۶ بالمعنى الحقیقی فبأن نفترض ان المولى جعل الحكم على طبعی المكلف دون ان يقیده^۷ بزمان دون زمان.

^۱ مرجع ضمیر: المصلحة.

^۲ مرجع ضمیر: المصلحة.

^۳ متعلق: الموقت.

^۴ یعنی: مرحله جعل و اعتبار.

^۵ مرجع ضمیر: النسخ.

^۶ مرجع ضمیر: النسخ فی مرحلة الاعتبار و الجعل.

^۷ مرجع ضمیر: الحكم.

اما تصویر نسخ به معنای حقیقی چنین است که فرض کنیم مولی حکم را (در قالب قضیه حقیقیه) بر طبیعی مکلف بدون تقید به زمانی خاص جعل کرده است، (یعنی حکم بر کلی طبیعی که «مکلف» باشد جعل شده است و شامل همه مصادیق این طبیعت می‌شود، اعم از مکلفین قرن اول و دوم و سوم تا مکلفین روز قیامت).

ثم بعد ذلك^۱ يلغى ذلك الجعل و يرفعه تبعاً لما سبق في علمه^۲ من ان الملاك مرتبط بزمان مخصوص، و لا يلزم من ذلك^۳ محذور.

سپس بعد از این جعل (به فاصله یک سال و یا ده سال و یا صد سال) مولی آن جعل را ملغاً می‌کند و بر اساس علم خود به این که ملاک حکم مرتبط به زمان خاصی بوده است، آن حکم را برمی‌دارد و از این کار هیچ محذوری لازم نمی‌آید؛

لأن الإطلاق في الجعل لم ينشأ من عدم علم المولى بدخل الزمان المخصوص في الملاك،

زیرا اطلاق در جعل (به طوری که ظاهر حکم به گونه‌ای باشد که شامل همه زمان‌ها شود و مقید به زمان خاصی نگردد) از عدم علم مولی به دخالت زمان مخصوصی در ملاک ناشی نشده است، (بلکه خداوند سببان از اول علم داشت که ملاک حکم، به زمان معینی مخصوص است و مثلاً مصلحت حکم تا پایان دوران مکه یا سال هشتم هجرت است،)

بل قد ينشأ^۴ لمصلحة أخرى كإشعار المكلف بهيبة الحكم و أبديته.

بلکه این اطلاق در جعل، گاه ناشی از مصلحت دیگری است؛ مانند آگاهی دادن مکلف به هیبت حکم و جاودانگی آن (تا افراد ضعیف الایمان از اول با موقت پنداشتن حکم بدان بی‌اعتنایی نکنند).

تصویر نسخ به معنای مجازی در مرحله جعل و اعتبار

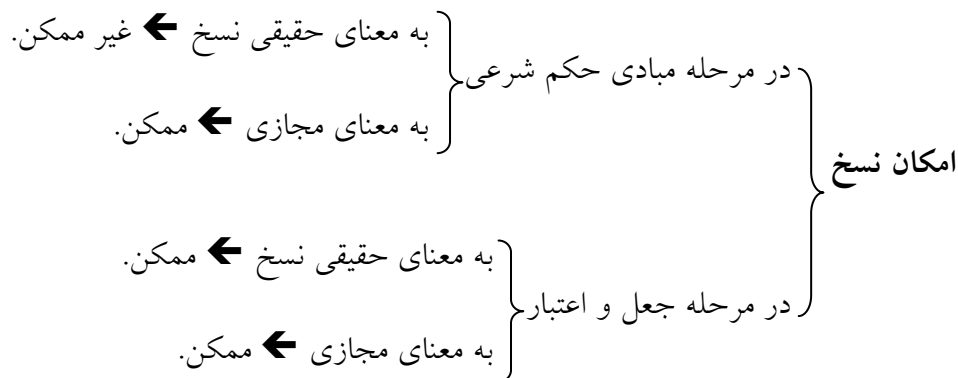
تصویر نسخ به معنای مجازی در مرحله جعل و اعتبار بدین نحو است که شارع مقدس حکم را از همان ابتدا به صورت مقید جعل نماید و در لسان دلیل انتهای زمان حکم را بیان کند که با سپری شدن آن زمان، حکم نیز منتفی می‌گردد. در این صورت هیچ گونه عدول و تبدل نظری حتی در سطح جعل نیز لازم نمی‌آید زیرا از همان ابتدا حکم به صورت موقت جعل شده است این می‌شود نسخ به معنای مجازی اما معنای اول به معنای حقیقی نسخ نزدیکتر است. زیرا تغییر و تبدل در سطح جعل و اعتبار، در فرض اول وجود دارد به خلاف نسخ به معنای مجازی در مرحله جعل و اعتبار که هیچ گونه تبدل و تغییری در آن وجود ندارد.

^۱ مشارالیه: الغاء جعل پیشین و ایجاد جعل جدید.

^۲ مرجع ضمیر: المولی.

^۳ مشارالیه: نسخ حقیقی در مرحله جعل.

^۴ مرجع ضمیر: الاطلاق فی الجعل.



تطبيق

و اما تصویره^۱ بالمعنى المجازى فبأن نفترض ان المولى جعل الحكم على طبعى المكلف المقيد بان يكون فى السنة الأولى من الهجرة مثلا،

اما تصوير نسخ به معنای مجازی چنین است که، فرض کنیم مولى حکم را بر طبعی مکلف، که مقید است به آن که در سال اول هجرت مثلا زیست می کند، قرار دهد.

فإذا انتهت تلك السنة انتهى زمان المجعول و لم يطرأ^۲ تغيير على نفس الجعل.

پس هرگاه آن سال به پایان برسد زمان حکم مجعول نیز به پایان می رسد و هیچ تغییری بر نفس جعل عارض نمی شود. چنان که روشن است (از این دو معنایی که برای نسخ در مرحله جعل و اعتبار گفته شد). و الافتراض الأول^۳ اقرب إلى معنى النسخ، كما هو ظاهر.

فرض اول نزدیک تر به معنای نسخ است. (خلاصه آن که در مبادی حکم، نسخ به معنای حقیقی راه ندارد؛ ولی نسخ به معنای مجازی ممکن است و در خود حکم هم نسخ به معنای حقیقی ممکن است و هم نسخ به معنای مجازی.

Scor: ۳۰: ۴۵

^۱ مرجع ضمیر: النسخ.

^۲ یعنی: عارض نشده است.

^۳ یعنی: نسخ به معنای حقیقی در مرحله جعل و اعتبار.

چکیده

۱. محال است نسخ به معنای حقیقی در مبادی حکم شرعی تحقق یابد؛ زیرا اگر خداوند با ملاحظه اوضاع و شرایط، مصلحت را در چیزی دید، هیچ‌گاه مصلحت‌سنجی او به خطا نمی‌رود از این‌رو محال است با وجود همان اوضاع و شرایط، نظر خداوند عوض شود. ولی تحقق نسخ به معنای مجازی در مبادی حکم شرعی امری ممکن است؛ بدین‌معنا که خداوند تا مدت معینی مصلحت را در چیزی ببیند و آن‌چیز را اراده کند و پس از پایان آن مدت، مصلحت و اراده منتفی گردد.

۲. در مرحله جعل و اعتبار تحقق نسخ به معنای حقیقی و مجازی، هر دو، ممکن است: نسخ حکم به معنای حقیقی را چنین می‌توان تصور کرد که شارع، حکم را به صورت مطلق و بدون تقیید به زمانی جعل کند و سپس بعد از مدتی آن را بردارد. مطلق آوردن حکم در این حال برای آن است که مکلفین آن را سبک‌شمارند. و نسخ حکم به معنای مجازی را می‌توان چنین تصور کرد که شارع از اول حکم را به صورت موقت و زمانمند جعل کند و با تمام شدن وقت، حکم نیز خودبه‌خود برداشته شود.